



جایگاه معماری و شهرسازی اسلامی در سبک زندگی

جواد پارسایی

مشهد، حرم مطهر، دانشگاه علوم اسلامی رضوی

Ja.parsaee@gmail.com

چکیده

بین معماری و شهرسازی با سبک زندگی رابطه عمیقی وجود دارد. معماری و شهرسازی از مظاهر مهم تمدنی محسوب می شود. سیطره معماری مدرن بر جوامع مسلمانان سبب شد تا به تدریج سبک زندگی غربی نیز بر زندگی آنان سایه افکند. معماری و شهرسازی اسلامی در فضای جهان بینی و فرهنگی اسلامی شکل می گیرد و اساس این معماری را اتصال به غیب و الهام الهی تشکیل می دهد. معماری و شهرسازی اسلامی هم با سبک زندگی خود معمار در ارتباط است و علاوه بر این دارای ویژگی هایی است که هرکدام از این ویژگی ها زمینه شکل گیری و تقویت سبک زندگی اسلامی خانواده و افراد جامعه را فراهم می کند. تاثیر معنوی معماری بر انسان، وسعت خانه، پوشیدگی و حفظ حیا، کم هزینه و همگانی بودن، گسترش عرضی شهرها، مرکزیت مکان های مذهبی از جمله ویژگی های شهرسازی و معماری اسلامی است تاثیر بسیار زیادی بر ترویج سبک زندگی اسلامی در خانواده و جامعه دارد که در این نوشتار به تفصیل به آن پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: معماری اسلامی، شهرسازی اسلامی، سبک زندگی، معماری مدرن، عالم غیب



۱- مقدمه

معماری و شهرسازی یکی از مهم‌ترین مظاهر هر تمدنی به شمار می‌رود. بناهای تاریخی و آثار به‌جامانده از شهرهای مسلمانان حکایت از آن دارد که معماری و شهرسازی نزد مسلمانان جایگاه خاصی داشته است و معماری مسلمانان دارای سبک خاصی بوده که آنان را از دیگر اقوام متمایز می‌کرد. معماری‌ای که با تأثیر پذیری از بستر فرهنگی و اعتقادی اسلامی، هویت خاصی را به خود گرفته است.

اگر چه که همه‌ی بناهایی که در کشورهای مسلمان و به دست معماران مسلمان ساخته شده است را نمی‌توان معماری آرمانی اسلامی خواند، اما ریشه فرهنگی و اعتقادی واحدی که بین مسلمانان وجود دارد سبب شده که ویژگی‌های مشترکی در طراحی و نقش‌نگاری این بناها وجود داشته باشد که یک نوع یگانگی در بین آنها به وجود بیاورد. جرج میشل می‌نویسد: «معماری اسلامی فراتر از منظره گنبد‌ها و مناره‌ها، کاخ‌های معطر مطبوع و کاشی‌های فیروزه‌ای باشکوه و غیر از آن است، این معماری بیان حقیقی فرهنگ پرمایه‌ای است که در عرض هزاران سال از ممالک اسپانیا و جاوه گرفته تا آسیای مرکزی و آفریقای ماورای صحاری را به هم نزدیک کرده و در بین آنها یگانگی ایجاد کرده است» (گروبه و دیگران ۱۳۸۰: ۷). از نظر جرج میشل معماری چیزی فراتر از تاریخ فرم و سبک است؛ معماری در حقیقت دستاورد عوامل فرهنگی و محیطی است که شیوه زندگی مردم در آن نهفته شده است (همان: ۷).

به‌طور کلی در گذشته معماری و شهرسازی ارتباط عمیقی با اعتقادات و فرهنگ بومی مردم داشت و ساختار آن متأثر از عوامل محیطی و آب و هوای خاص هر منطقه‌ای بود؛ به عبارت دیگر معماری هر بنا و شهری دارای هویت فرهنگی - مکانی خاصی بود و هر بنایی با زبان حال از این سخن می‌گفت که به کدام وطن و فرهنگ تعلق دارد. از این رو محققان آثار تاریخی از روی طراحی و نقوش خاصی که بر روی آثار شهرها و بناها باقی مانده است؛ به فرهنگ و عقاید مردمان آن دیار پی می‌برند.

در دوران انقلاب صنعتی و رنسانس علمی در اروپا، معماری نیز تحولات اساسی پیدا کرد. آنچه سبب به وجود آمدن هنر، معماری و شهرسازی مدرن شد تنها تغییر جهان بینی معماران نبود بلکه زندگی صنعتی و ماشینی جدید، خود به خود محدودیت‌ها و الزامات خاصی را برای معماران به وجود آورد. اگرچه اومانیزم، سکولاریسم و سرمایه داری از مبانی هنر و معماری مدرن است و همین جهان بینی، معماری خاصی را به وجود می‌آورد اما صنعتی شدن زندگی و تکنولوژی جدید نیز تأثیر بسزایی در ساختار بیرونی و درونی معماری و شهرسازی جدید داشت. با وجود اکتشافات علمی جدید و اختراع و تولید تکنولوژی‌های نوین، شهرهای صنعتی و ماشینی جدید پدید آمدند. همین ورود ابزار و ماشین‌های جدید سبب شد که بخش زیادی از فضای ظاهری شهری تغییر پیدا کند. از طرف دیگر در شهرهای مدرن چون که گسترش و انتقال زیرساخت‌ها و تکنولوژی‌های



جدید، پر هزینه و زمان بر است به ناچار برج‌ها، آسمان خراش‌ها، آپارتمان‌ها و ... به وجود آمدند و بناهای شهری بیش از آنکه به صورت عرضی گسترش پیدا بکنند رشد طولی پیدا کردند و همین امر سبب شد که نمای ظاهری شهری دچار دگرگونی شود. برای اینکه بتوان بناهای چند طبقه ساخت باید از ابزار و مصالح استفاده شود که استحکام لازم را داشته باشد از همین رو در معماری و شهرسازی مدرن در زمینه ابزار و مصالح ساختمانی نیز تغییرات اساسی به وجود آمد.

کمبود فضا و رشد طولی بناهای جدید سبب شد که طراحی خاصی در ساخت خانه‌های جدید به کار رود؛ نداشتن حیاط و فضای سبز، وجود حمام و دستشویی در فضای داخلی خانه، آشپزخانه آپن و ... از جمله ویژگی‌های معماری خانه‌های جدید است.

با ورود صنعت و تکنولوژی به کشورهای مسلمان به تدریج سبک معماری و شهرسازی جوامع مسلمان نیز تغییر کرد؛ و معماری و شهرسازی مدرن را بدون کم و کاست به کاملاً مقلدانه کسب کردند؛ به طوری که برخی از بزرگ‌ترین برج و ساختمان‌های مدرن در کشورهای مسلمان ساخته شده است.

معماری و شهرسازی مدرن به تدریج همه‌ی شهرها و روستاهای سراسر جهان را فرا گرفت. معماری‌ای که دیگر نشان دهنده هویت و فرهنگ مردم یک منطقه و کشور نیست. این معماری در عین اینکه فرهنگ و هویت خاصی را به خود انتقال می‌دهد و در عین اینکه منشأ و مبدأ پیدایش آن مشخص است اما خالی از هر گونه هویت و وطن خاصی است.

سخن در این است که آیا معماری و شهرسازی مدرن با اعتقادات و سبک زندگی اسلامی سازگار است؟ آیا برای تحقق سبک زندگی اسلامی باید معماری و شهرسازی اسلامی داشته باشیم؟ معماری اسلامی به چه معناست رابطه بین معماری و سبک زندگی چیست؟ ...

۲- مفهوم شناسی

۲-۱- معماری و شهرسازی اسلامی

مراد معماری است که علاوه بر اینکه بر گرفته از چارچوب‌های شرعی و اخلاقی است، معمار آن با رشد در فضای اعتقادی، فرهنگی و اخلاقی اسلامی، روح خود را چنان جلا می‌دهد که متصل به عالم غیب می‌شود و معانی غیبی به او الهام می‌شود. چنین معماری و هنرمندی هنگامی که معانی غیبی را به خیال و حس در می‌آورد و در پی خلق معماری بر می‌آید به صورت خودآگاه و ناخودآگاه تمام جنبه‌های فقهی، عقلی و عرفانی را لحاظ



می کند و اثری خلق می کند که انسان را به عالم معنا متصل می کند و ذکر خدا را برای او تداعی می کند. بدین جهت هنر و معماری آرمانی اسلامی تنزل و تجلی معانی و حقایق عالم غیب است.

چون که یکی از صفات خداوند «جمیل» است و خداوند زیبایی را دوست دارد «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ» (مجلسی بی تا: ۹۲/۷۰) و از طرف دیگر عالم غیب مظهر صفات جمال خداوند است و هیچ نقص و عیبی در آن وجود ندارد و چون که خداوند، عالم را بر زیباترین صورت خلق کرده است «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ» (التغابن: ۳) هنگامی که هنرمند و معمار با نیتی خالص و تهذیب نفس به شهود عالم غیب نائل شود آنچه بر او الهام می شود و در قالب خیال و حس در می آید زیباترین است و اثری هم که خلق می کند زیبایی والا و ماندگاری خواهد داشت. چنانکه برخی مساجد و آثار تاریخی بعد از صدها سال هنوز زیبایی خاص خود را دارند.

طبق این معنا معماری اسلامی از سنخ الهام و شهود عالم معنا می باشد. از این رو هرچه انسان در فضای معنوی تری سیر کند و اعتقاد و عمل والاتری داشته باشد و تخلق به اخلاق الهی پیدا کند، حقایق غیبی والاتری به او الهام خواهد شد و هنر و معماری او نیز اسلامی تر خواهد بود. از طرف دیگر اثری که حاصل می شود انسان را به یاد خدا و در راستای فلسفه خلقت انسان قرار می گیرد که فرمود «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (الذاریات: ۵) (خلق نکردم جن و انسان را مگر برای عبادت کردن). از این رو اگر شهری با این معماری ساخته شود می توان آن را شهر سازی اسلامی نامید. شهری که مسیر رشد و معنویت را برای ساکنان خود مهیا می کند.

با این وجود، هنر و معماری اسلامی فقط از این جهت اسلامی نیست که مسلمانان موجد آن باشند؛ بلکه چون از الهام اسلامی نشأت می گیرد و این هنر و معماری حقایق درونی الهام اسلامی را در شکل ها و صورت های گوناگون متبلور می کند و چون از وجه باطنی اسلام ناشی می شود، انسان را به خلوت درونی الهام الهی رهنمون می کند. از این رو هنر و معماری اسلامی از نظر پیدایش، ثمره روحانیت اسلامی و از نظر شناخت مبدأ یا بازگشت به آن، یاور حیات معنوی انسان است (نصر ۱۳۷۵: ۱۳). بورکهارت معتقد است که بر خلاف هنرمند انسان محور مدرن «هنرمند مسلمانان، به سبب مسلمان بودن و تسلیم بودن در برابر قانون الهی، همواره از این واقعیت آگاه هست که او، خود زیبایی را خلق و ابداع نمی کند، بلکه ... این زیبایی را منعکس می کند» (همتی ۱۳۸۷: ۱۰۰).

برخی از مورخان برجسته تاریخ هنر اسلامی همچون آندره گدار معتقد است که هنر و معماری اسلامی بیش از آنکه بر فرم و تکنیک وابسته باشد، بر اندیشه و آرمان های فکری هنرمند و تجلی و انعکاس روح او استوار است (موسوی ۱۳۹۰: ۲۳۳).



در مقابل معماری اسلامی، معماری غیر اسلامی آن است که معمار و سازنده آن در فضای غیردینی و غیراخلاقی سیر می‌کند و در نتیجه معماری هم که تولید می‌شود مخاطب خود را به این سمت و سو می‌کشاند؛ بنابراین قدم برداشتن در چنین شهری نیز انسان را از معنویت و یاد خدا باز می‌دارد و مانع رشد و تکامل او خواهد شد.

۲-۲- سبک زندگی اسلامی

هر انسانی جهان بینی خاصی نسب به عالم و موجودات آن دارد که این جنبه انسان، همان جنبه تفکری و اعتقادی اوست. طبق همین جنبه تفکر بایدها و نبایدهای رفتاری و اخلاقی و عملی خاصی برای انسان مطرح می‌شود مثلاً شخصی که اعتقاد به خداوند و دین اسلام دارد ملتزم به رفتن به مسجد و اجتناب از خوردن شراب می‌شود؛ و شخصی که اعتقاد به مسیحیت دارد ملتزم به رفتن به کلیسا و غسل تعمید می‌شود. این جنبه از زندگی انسان را می‌توان فرهنگ نامید. در مرحله بعد طبق هر اعتقاد و تفکر خاص ساختار خارجی و ابزار خاصی تولید می‌شود تا مسیر رسیدن به اهداف اعتقادی و فرهنگی خاص را میسر کند. شخص مسلمان برای عبادت خود، مهر و سجاده و مسجد می‌سازد و شخص مسیحی، صلیب و مجسمه و کلیسا می‌سازد. این بخش از زندگی انسان که بخش سخت افزاری است را بخش تمدنی گویند؛ بنابراین زندگی انسان دارای سه حیطه تفکری، فرهنگی و تمدنی است.

سبک زندگی عبارت است از مجموعه حیطه فرهنگی و تمدنی زندگی انسانی که ارتباطی عمیق با حیطه تفکری انسان دارد؛ بنابراین بین جهان بینی با سبک زندگی ارتباطی دو طرفه وجود دارد. هر جهان بینی و تفکر خاصی سبک زندگی خاصی را به وجود می‌آورد و از طرف دیگر هر سبک زندگی خاصی در جهت تثبیت و یا تضعیف جهان بینی خاصی است.

۳- رابطه معماری و شهر سازی با سبک زندگی

از آنجا که معماری یکی از مهم‌ترین مظاهر تمدنی است و همان طور که ذکر شد سبک زندگی شامل حیطه تمدنی و فرهنگی زندگی انسان می‌شود؛ نتیجه اینکه معماری یکی از اجزاء تمدنی سبک زندگی انسان به شمار می‌رود. معماری و شهر سازی از دو جهت بر سبک زندگی انسان تأثیر گذار است:

۱-۳- تأثیر معماری و شهر سازی بر خود معمار

هنر معماری و شهر سازی رابطه عمیقی با سبک زندگی معمار دارد. این رابطه به صورت دو طرفه است یعنی هم علم و هنر معماری اسلامی در گرو سبک زندگی خاصی است و هم اینکه معماری و شهر سازی اسلامی سبب رهنمون شدن معمار به سویی سبک زندگی اسلامی می‌شود.



هنر معماری و شهرسازی اسلامی دارای مبانی است که برخی از این مبانی مربوط به جنبه‌های روحی و معنوی معمار است. از آنجا که معماری اسلامی حاصل از الهامات الهی و شهود عالم غیب است، این معماری برای هر شخصی حاصل نمی‌شود. شخصی صلاحیت پیدا می‌کند که چنین هنر الهی را دریافت کند که در مقام تفکر، جهان بینی دینی داشته باشد و در عمل ملتزم به احکام و اخلاق الهی باشد تا با تهذیب نفس و صفای روح، خود را مهیای دریافت الهامات الهی بکند. علاوه بر این در برخی علوم اسلامی مانند فقه، حدیث، قرآن و حکمت و عرفان و علوم هندسه و ریاضی تبحر داشته باشد تا در مقام به ظهور رسانیدن الهام الهی به بهترین نحو عمل نماید.

بنابراین شخصی که علم و هنر معماری اسلامی برای او حاصل شده سبک زندگی دیگری خواهد داشت. سبک زندگی‌ای که با فضایل اخلاقی، دینداری و عبودیت، تحصیل علوم و معارف دینی آمیخته است.

۲-۳- تأثیر معماری و شهرسازی بر سبک زندگی افراد جامعه

برای اینکه اثرات معماری و شهرسازی اسلامی بر سبک زندگی افراد جامعه مشخص شود مؤلفه‌های معماری و شهرسازی اسلامی بیان می‌شود و رابطه آن با سبک زندگی اسلامی بیان می‌شود.

۱-۲-۳- تأثیر معماری بر انسان

چون که روح انسان به حسب مراتب خیالی و عقلی، حقیقتی غیبی و ملکوتی دارد، می‌تواند در اشیاء عالم طبیعت اثر بگذارد (ملاصدرا، ۱۳۶۰: ۲۵؛ همو ۱۹۸۱: ۴/۲۶۴) چنان که انبیاء و اولیای الهی به سبب تکامل روحی والایی که دارند به اذن خداوند در امور این عالم دخل و تصرف می‌کنند که به آن معجزه و کرامت گفته می‌شود (السبزوری، ۱۳۷۹: ۵/۲۵۶-۲۵۰).

معمار اسلامی نیز با توجه به تکامل روحی و اتصالی که با عالم غیب پیدا می‌کند در اثری که خلق می‌کند تأثیر روحی می‌گذارد. به همین سبب آنچه رکن اساسی معماری اسلامی است تأثیر غیبی و باطنی روح معمار و هنرمند بر بنا و اثری که خلق می‌کند است. معمار و هنرمند اسلامی با تهذیب نفس و تکامل روحی که دارد و با نیت خالص و نگاه توحیدی که دارد اجزاء و قسمت‌هایی مختلف یک بنا را می‌سازد و همین امر سبب می‌شود معماری که ایجاد می‌شود کاملاً فضایی روحانی و معنوی را پیدا کند. این نکته آن قدر مهم و اساسی است که قرآن کریم حتی اجازه نمی‌دهد کافران مساجد را تعمیر کنند بلکه برای آن شروطی می‌گذارد از جمله اینکه شخص باید ایمان به خداوند و روز قیامت داشته باشد، نماز خوان باشد، زکات مال خود را پرداخت کرده



باشد و به جز خداوند از کسی ترس نداشته باشد «إِنَّمَا يَعْزُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ» (التوبه: ۱۸۹).

همان طور که بدن انسان در روح تأثیر منفی و مثبت دارد معماری و هر اثر هنری دیگری که انسان با آن در ارتباط است نیز در روح انسان تأثیر گذار است. از این رو اگر انسان در مکانی وارد شود که با معماری اسلامی ساخته شده است همان معنویتی که کالبد آن بنا وجود دارد به او نیز منتقل خواهد شد. این سخن تنها در مورد مساجد و مکان‌های زیارتی نیست بلکه در تمام بناهای اسلامی وجود دارد. معماری و شهرسازی اسلامی واسطه‌ای است که انسان را از ظاهر به باطن و از عالم طبیعت به عالم غیب رهنمون می‌سازد؛ بنابراین اگر معماری و شهرسازی شهری، اسلامی باشد ساکنان آن در فضایی معنوی زندگی خواهند کرد؛ و از آنجا که تکامل روحی انسان یکی از مهم‌ترین اهداف سبک زندگی اسلامی است در چنین جامعه‌ای مردم هرچه بیشتر به سبک زندگی اسلامی نزدیک‌تر می‌شود.

۲-۲-۳- وسعت خانه

همان طور که ذکر شد یکی از ویژگی‌های شهرهای مدرن تراکم بسیار ساختمان‌ها و کوچک بودن فضای خانه‌ها است. در این نوع سبک زندگی فضای خانه دلگیر و بی‌روح به نظر می‌رسد و مسکن تنها مکانی برای خواب و استراحت شبانه است.

در روایات اسلامی توصیه‌های زیادی بر وسعت خانه شده است و کوچکی و تنگی خانه مذموم شمرده شده است. در روایات اسلامی وسعت منزل، نشان دهنده سعادت آدمی، راحتی مؤمن، بهترین زندگی و خوشی دنیا است (مجلسی بی تا: ۱۶ / ۹۶) از نظر امام صادق (ع) یکی از راه‌های نجات و فائق آمدن بر مشکلات زندگی، را داشتن خانه وسیع است و کوچک بودن حیاط را مایه شومی خانه می‌دانند (جوادی آملی ۱۳۹۱: ۱۷۷) در برخی روایات دیگر نیز تنگی خانه را ناشی از بدبختی و حماقت می‌دانند (همان: ۹۷)؛ بنابراین در معماری اسلامی خانه دارای فضای وسیعی می‌باشد به طوری که هم اتاق‌های بسیاری دارد و هم دارای حیاط بزرگ با فضایی سبز و حوض آب است.

از طرف دیگر در روایات اسلامی توصیه شده که انسان برخی حیوانات مانند کبوتر، خروس و گوسفند را در منزل نگهداری کند. نقل شده که مردی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از تنهایی خویش شکایت کرد، حضرت فرمود: برای رفع تنهایی خود یک زوج کبوتر نر و ماده تهیه کن (صدوق ۱۳۶۷: ۴ / ۴۷۹) همچنین امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود: صدای بال زدن پر کبوتران شیاطین را دور می‌سازد (همان). همچنین احادیث دیگری دلالت دارد بر اینکه نگهداری خروس در خانه سبب ایجاد انس و دور شدن بلاها از خانه می‌شود و نگه داشتن گوسفند روزی را زیاد و فقر و پریشانی را از خانه دور می‌کند. (مجلسی ۱۳۹۰: ۵۶۰-۵۵۶).



افزون بر آثار معنوی پرورش و نگهداری این حیوانات در خانه که آثار آن با حواس ظاهری قابل درک نیست (جوادی آملی ۱۳۹۱: ۶۴۶)؛ نگهداری این حیوانات در خانه سبب تنوع و شادابی روحیه و مشغول شدن بچه‌ها و اهالی خانه به امور مستحب می‌شود.

در معماری آپارتمانی مدرن به دلیل محدودیت فضا و نبود حیاط هیچ جایی برای عمل کردن به این احادیث و سبک زندگی اسلامی وجود ندارد، اما معماری اسلامی بستری را فراهم می‌کند که چنین امور مستحبی در زندگی جریان پیدا کند و سبک زندگی اسلامی در جامعه رواج پیدا کند.

۳-۲-۳- پوشیدگی و حفظ حیا

حیا و حفظ حریم شرعی جایگاه مهمی در سبک زندگی اسلامی دارد. از نظر روایات اسلامی شخصی که حیا نداشته باشد ایمان ندارد «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ» (کلینی ۱۳۶۲: ۱۰۶/۲) و هر کس که لباس حیا را بر تن کند عیوب او از نظرها پنهان می‌ماند (عاملی ۱۴۰۹: ۱۶۸/۱۲) همچنین یکی از نشانه‌های انسان مؤمن این است که حیاش ترک نمی‌شود (مجلسی بی تا: ۳۴۳/۶۴).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معماری اسلامی پوشیدگی و حفظ حریم افراد درون خانه است. در معماری اسلامی بیش از آنکه به ظاهر خانه توجه شود به طراحی داخلی و ایجاد محیطی مناسب برای حفظ حیا و حرمت افراد خانه توجه می‌شود. در معماری اسلامی هم افراد خانه نسبت به بیرون از خانه دارای حریم هستند و هم افراد خانواده نسبت به یکدیگر.

ارنست گروه می‌نویسد: «یکی از ویژگی‌های نظرگیر تمامی آثار معماری اسلامی توجه و تمرکز به فضای بسته، به درون در مقابل برون، به نما یا مفصل‌بندی عمومی ظاهر یک عمارت است. رایج‌ترین و معروف‌ترین بیان این نوع گرایش را شاید بتوان در خانه‌های مسلمانان پیدا کرد؛ این خانه‌ها در درون حیاط بسته‌ای قرار گرفته‌اند و تنها راه آن‌ها با دنیای خارج دیوارهای بلند و بدون پنجره و یک درب کوتاه ورودی است» (گروه و همکاران ۱۳۸۰: ۱۰). بدین جهت در معماری اسلامی شکل و طراحی بیرونی خانه به گونه‌ای است که درون خانه در معرض دید قرار نمی‌گیرد و افراد خانه کمترین ارتباطی با فضای بیرونی خانه دارند اما این امر سبب دلگیری شدن و کمبود نور خانه نمی‌شود زیرا در فضای داخلی خانه پنجره‌ها به طرف حیاط خانه و نورگیرهایی در سقف خانه وجود دارد. در خانه‌هایی که متأثر از معماری اسلامی هستند و در شهرهای سنتی مثل اصفهان، یزد و ... هنوز هم وجود دارند خانه دارای فضای اندرونی و بیرونی است، درب ورودی خانه دارای یک دالان است که جلو آن یک پیچیدگی دارد که داخل حیاط دیده نمی‌شود و در هنگام حضور شخصی در درب خانه می‌توان با احترام میهمان را به داخل دالان آورد و داخل خانه هم دیده نشود.

در معماری اسلامی حریم و حیا افراد درون خانه نسبت به یکدیگر نیز حفظ می‌شود. به دلیل عدم محدودیت فضا و مکان آشپزخانه به صورتی طراحی می‌شود که زن خانه در مقابل مهمان و نامحرم ظاهر نباشد.



همچنین اتاق‌های خواب هر کدام درب جداگانه‌ای به حیاط دارند و این طور نیست که درب آن‌ها در پذیرایی باشد و زن در صورت رفت و آمد در معرض دید مهمان و نامحرم قرار گیرد. در حالی که در معماری مدرن خلاف این است و زن چه در آشپزخانه و چه در رفت و آمد به اتاق‌ها و دستشویی کاملاً در معرض دید افراد خانه است و این امر به تدریج سبب از بین رفتن حیا زنان و دختران در مقابل نامحرم می‌شود.

در سبک زندگی اسلامی فرزندان سبب خیر و برکت خانواده هستند (المتقی ۱۴۰۹: ۲۷۴/۱۶) و توصیه شده است که خانواده‌ها فرزندان زیادی داشته باشند و سبب گسترش امت رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بشوند (همان: ۲۹۳) از طرف دیگر بعد از اینکه دختر و پسر به سن ده سالگی رسیدند توصیه شده است که رختخواب آن‌ها جدا شود (مجلسی ۱۳۹۰: ۲۰۹) و از آیات و روایات نیز استفاده می‌شود که اتاق پدر و مادر و بچه‌هایی که به حد بلوغ نرسیده‌اند نیز باید جدا باشد (نور: ۸۵).

تعداد محدود اتاق‌ها و پر هزینه بودن خانه‌های بزرگ در معماری مدرن سبب شده که مردم تمایلی به فرزند زیاد نداشته باشند و اگر چند فرزند هم داشته باشند به‌ناچار باید در یک اتاق کنار هم بخوابند. نوع طراحی معماری مدرن و ضخامت دیوارهای اتاق به‌گونه‌ای است که صدای پدر و مادر به راحتی به اتاق فرزندان منتقل می‌شود در حالی که در روایت اسلامی به پدر و مادر هشدار داده شده که هنگام عمل زناشویی صدای آن‌ها را حتی کودک خردسال هم نشنود و شنیدن صدای آن‌ها توسط کودک سبب می‌شود که در آینده زناکار شود (کلینی ۱۳۶۲: ج ۴۹۹/۵) اما در معماری اسلامی چون که خانه وسعت دارد و اتاق‌های زیادی دارد به راحتی حریم زناشویی حفظ می‌شود و راه‌های انحرافات جنسی فرزندان کاهش می‌یابد.

در معماری مدرن هیچ توجهی به حفظ حیا و حریم خانواده نمی‌شود. خانه به صورتی طراحی می‌شود که افراد خانه نه نسبت به یکدیگر حریم خصوصی دارند و نه نسبت به بیرون از خانه. پنجره‌های زیاد و ساختمان‌های شیشه و طراحی ظاهری خانه سبب آشکاری هرچه بیشتر خانه‌ها شده است. نوع معماری مدرن در طراحی آشپزخانه، دستشویی، پذیرایی، اتاق خواب و ... سبب می‌شود که در خانواده‌هایی که مقید به حفظ حیا و حریم شرعی هستند هنگامی که میهمانی نامحرم وارد خانه می‌شود و قصد توقف شبی را دارد، زن خانه در مضیقه قرار بگیرد و میهمان به جای اینکه سبب شادمانی میزبان شود سبب به زحمت افتادن و ناراحتی میزبان می‌شود. در حالی که در سبک زندگی اسلامی، صله رحم و میهمان نوازی بسیار نیکو شمرده شده است و در معماری اسلامی با تفکیک اتاق مهمان از دیگر اتاق‌ها و در معرض نبودن آشپزخانه و دستشویی، مهمانی و صله رحم به راحتی و آسودگی انجام می‌شود و در حین حضور مهمان نیز زن خانه بدون اینکه دیده شود کارهای خود را انجام دهد.

۴-۲-۳- کم هزینه و همگانی بودن



معماری و شهرسازی مدرن به دلیل وابستگی عمیقی که به تکنولوژی دارد دارای دو ویژگی است: اول اینکه این معماری بسیار پرهزینه است دوم اینکه درجایی این معماری قابل اجرا است که زیرساخت‌ها و تکنولوژی ساخت آن وجود داشته باشد بنابراین در تمام کشورها و در همه شهرها و روستاها قابل گسترش نیست.

در سبک زندگی اسلامی، مسکن اولین چیزی است که افراد جامعه و زوج‌های جوان بدان نیاز دارند. با داشتن مسکن، افراد خانواده احساس آرامش می‌کنند و فعالیت خود را بدون دغدغه در جامعه انجام می‌دهند. چون که در معماری اسلامی خانه‌ها به صورت طولی رشد نمی‌کنند و نیازی به آپارتمان‌ها و برج‌های چند طبقه نیست، مصالحی که استفاده می‌شود به صورت طبیعی در همه جا یافت می‌شود و با تغییر مختصری بر روی مواد خامی که در طبیعت وجود دارد می‌توان به وسیله آن بناهای بزرگ و استواری ساخت. چون که در شهرسازی اسلامی زیر ساخت‌های اساسی در یک منطقه خاص متمرکز نمی‌شود بنابراین زمین‌های ساخت مسکن بیشتر و ارزان‌تر خواهد بود و در همه مناطق شهری و روستایی قابل اجرا است.

کم هزینه بودن مصالح و زمین ساختمانی در شهرسازی و معماری اسلامی سبب می‌شود که اکثریت مردم صاحب خانه به راحتی صاحب خانه باشند و از این جهت بخشی از سبک زندگی اسلامی تحقق پیدا کند. در سبک زندگی مدرن، جوانان جامعه و خانواده از ابتدای تشکیل خانواده برنامه ریزی و دغدغه آن‌ها این است که صاحب زمین و خانه شوند و بعد از طی نیمی از عمر خود با وام و اضافه کاری شاید به این امر دست پیدا کنند. در این سبک زندگی اندکی از افراد جامعه که سرمایه دار هستند، برج سازی و خانه سازی‌های کلان انجام می‌دهند اما اکثریت افراد متوسط و فقیر جامعه به دلیل پرهزینه بودن خرید مسکن، صاحب خانه و زمین نیستند و برخی تا آخر عمر نیز نمی‌توانند صاحب خانه شوند و همواره خانه به دوش و در حال جابه‌جایی هستند. همچنین افرادی هم که موفق می‌شوند صاحب خانه شوند باید تا آخر عمر دغدغه پرداخت اقساط وام خانه خود را داشته باشند.

۵-۲-۳- مرکزیت مکان‌های دینی

همان طور که ذکر شد هنگامی که جهان بینی انسان‌های یک جامعه الهی باشد، این امر در تمام جلوه‌های سبک زندگی آن‌ها نمودار می‌شود. از این رو نمادهای دینی در سبک زندگی آن‌ها بسیار ظاهر است و در شهرسازی اسلامی بناهای مذهبی نقش محوری و مرکزی پیدا می‌کنند. در شهرسازی اسلامی طراحی ساختار کلی شهری چنان است که وقتی شخصی از بیرون شهر وارد شهر می‌شود از بناهایی که در آن شهر وجود دارد به فرهنگ و هویت دینی مردمان آن پی ببرد.

مسجد و زیارت گاه‌ها به عنوان بارزترین نمادهای دینی مسلمانان جایگاهی رفیع در شهرسازی اسلامی دارد. مسجد جامع و زیارت گاه به عنوان نقطه مرکزی و محوری شهر قرار می‌گیرند و در اطراف آن‌ها مهم‌ترین



مراکز و بناها قرار دارند. مدرسه‌های علمیه، بازارهای اصلی، حمام‌های عمومی و سایر مراکز تولیدی و تجاری همگی در اطراف مساجد و زیارت گاه‌ها ساخته می‌شود و برای سهولت دسترسی به این مکان‌ها راه‌های مستقیمی از همه مکان‌ها به سوی مساجد و بناهای زیارتی وجود دارد (اهری، ۱۳۸۰: ۳۵۳). از این رو در شهرهای مسلمانان «اهمیت مساجد در شهرها به حدی بود که اگر شهری مسجد جامع با آدینه نداشت، اهمیت شهری نداشت» (کیانی، ۱۳۷۴: ۸).

چون که معماری و شهرسازی مدرن بر مبنای سکولاریسم و سرمایه داری برپا است مکان‌های تجاری و سرمایه داری مهم‌ترین نقطه شهرها به شمار می‌آیند و مکان‌های مذهبی محوریت خود را از دست داده‌اند. بیش از آن که نمادهای مذهبی در این شهرها نمایان باشد، جلوه‌های دنیا گرایی و ارزش‌های مالی بیشتر در سبک زندگی این جوامع به چشم می‌خورد.

۶-۲-۳- گسترش عرضی شهر

در معماری و شهرسازی اسلامی بیش از آنکه ساختمان‌ها رشد طولی داشته باشند به صورت عرضی گسترش می‌یابند. برخی روایات ساختن خانه‌های بلند را مذموم شمرده است (مجلسی ۱۳۶۵: ۱۶/۹۶). گسترش عرضی شهرها و ساختمان‌ها سبب آثار مثبتی در سبک زندگی انسان می‌شود از جمله اینکه: ۱- خانه‌هایی که آپارتمانی نیستند دارای حیاط اختصاصی و فضای سبز در خانه هستند و همین سبب شادمانی و سرور در خانواده می‌شود. ۲- هنگامی که ساختمان‌های شهر همگی کوتاه باشند و آپارتمان و برجی وجود نداشته باشد بناهای مذهبی و تاریخی بهتر در شهر نمایان هستند. ۳- آسمان خراش‌ها و برج‌های بلند در شهرها سبب شده که فضاهای شهر بسیار گرفته شود و حتی انسان‌ها نمی‌توانند به راحتی آسمان و ستارگان را مشاهده کنند. ۴- ساختمان‌های بلند سبب می‌شود که همسایه‌ها به راحتی بر خانه و حیاط یکدیگر اشراف داشته باشند و حریم شرعی از بین برود و سبب می‌شود که آرامش و امنیت خصوصی افراد از بین برود از این جهت خانه‌های زمینی سبب آرامش و امنیت افراد خانواده و همسایگان می‌شود ۵- ساختن خانه‌های یک یا دو طبقه به راحتی و با هزینه کمی انجام می‌شود اما ساخت برج‌ها و آسمان خراش‌ها بلند هزینه بسیار و نیروی انسانی زیادی را می‌طلبد.

۷-۲-۳- حفظ فضای طبیعی

انسان به طور فطری به طبیعت و موجودات طبیعی علاقه دارد و با رفتن در جنگل، کوه و دریا آرامش پیدا می‌کند و چون که معماری و شهرسازی مدرن و مشغله‌های امروزی سبب شده که انسان دیگر دسترسی به طبیعت نداشته باشد در شهرسازی و معماری مدرن سعی شده که با نقاشی و مجسمه و درخت و گل‌های طبیعی، این نیاز فطری انسان را جبران کنند؛ اما صورت‌ها و اشیاء مصنوعی هیچ گاه آرامش حقیقی را به انسان نخواهد



داد به همین سبب بشر مدرن به محض تعطیلی کاری به فکر رفتن به طبیعت و جاهای سرسبز و خوش آب و هوا می‌افتد.

در معماری و شهرسازی اسلامی به جای اینکه پارک‌ها و فضاهای مصنوعی در داخل شهر ساخته شود، طبیعت را وارد فضای شهری و خانه‌ها می‌کند. «در تاریخ معماری ایران بخصوص دوران اسلامی حیاط مرکزی نقش اساسی داشته است» (معماریان، ۱۳۸۷: ۳۵۸) در این معماری خانه‌ها دارای حیاطی با درختان زیاد و حوض‌های پر آب هستند که آرامش و انس با طبیعت را برای افراد خانواده به ارمغان می‌آورد. همچنین در برخی از شهرهایی که رود در نزدیکی آنها وجود دارد مثل اصفهان، خانه‌ها و بازار و مدارس علمیه به طوری طراحی شده که بخشی از آب رودها از درون خانه‌ها می‌گذرد و فضای زیبایی را به وجود می‌آورد.

همچنین در سبک زندگی اسلامی درخت کاری و به وجود آوردن فضای طبیعی و سرسبز، امری نیکو شمرده می‌شود (جوادی آملی ۱۳۹۱: ۷۱۰) در فضای طبیعت است که انسان به مشاهده آثار خلقت پی به عظمت خالق می‌برد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْأَيْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ وَ إِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ وَ إِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ وَ إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ» (الغاشیه: ۲۰-۱۷) (آیا مردم در خلقت شتر نمی‌نگرند که چگونه (به انواع حکمت و منفعت برای بشر) خلق شده است؟ و در خلقت کاخ بلند آسمان فکر نمی‌کنند که چگونه آن را بر افراشته‌اند؟ و کوه‌ها را نمی‌بینند که چگونه بر زمین کوبیده‌اند؟ و به زمین نظر نمی‌کنند که چگونه گسترده‌اند؟) و در آیه دیگر تفکر در مورد خلقت خداوند را از صفات خردمندان می‌داند «الذین ... يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا» (خردمندان کسانی هستند که دائماً در خلقت آسمان و زمین بیندیشند و گویند: پروردگارا، تو این دستگاه با عظمت را بیهوده نیافریده‌ای).

بنابراین هرچقدر در شهرسازی و معماری فضای طبیعی حاکم باشد سبک زندگی انسان رنگ و بوی الهی‌تر پیدا می‌کند.

۹-۲-۳- تزیینات و طراحی بومی

در معماری و شهرسازی مدرن توجهی به فرهنگ بومی و شرایط آب و هوای آن منطقه نمی‌شود و مردم شهرها و مناطق مختلف از معماری واحدی استفاده می‌کنند؛ اما در شهرسازی و معماری اسلامی علاوه بر جنبه‌های معنوی و شکلی مشترکی که وجود دارد اما شرایط آب و هوایی و فرهنگ و هویت بومی مردم هر منطقه‌ای در معماری و شهرسازی آن منطقه نمایان می‌شود.

نقش نگاری‌ها و شکل‌های زیبا در معماری و شهرسازی اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد «شکل‌های ساده ضمن پیچیدگی فقط برای زینت نیستند. بلکه معنا دار هستند و سعی دارند که یک زیبایی غیرزمینی را نمایان سازند تا با نفوذ معنوی، جنبه احساسی انسان را تقویت کنند و انسان به صفات کمالیه نزدیک‌تر شود تا درهای



آسمان به رویش باز شود و از این جهان بگذرد و در حریم قدسی سیر و سلوک کند تا رنگ‌ها بی‌نشان شوند و زشت و زیبا یکی شود» (پور عبدالله ۱۳۸۹: ۲۰۲).

در معماری و شهرسازی اسلامی سطوح تزیینی نیز دارای حقیقتی طبیعی است و نقش نگارهایی که به شکل گل‌های به هم پیچیده بکار می‌رود جلوه‌های بصری زیبایی را ایجاد می‌کند (گروبه و همکاران ۱۳۸۰: ۱۶۲). همچنین هنرهای اسلامی مثل خوشنویسی، میناکاری، معرق کاری و به کار بردن طرح‌ها و رنگ‌های زیبا و دل‌نشین در تزیین معماری و شهرسازی اسلامی جایگاه مهمی دارد.

بنابراین در تزیینات و طراحی معماری و شهرسازی اسلامی ویژگی‌های بومی و فرهنگی نیز تأثیر گذار است و از این جهت دارای هویتی بومی - دینی پیدا می‌کند. از این رو سبک زندگی مردم هر منطقه نیز بر اساس آموزه‌های دینی و خصوصیت‌های مکانی و فرهنگی آن‌ها خواهد بود.

۴- نتیجه گیری

از مطالبی که در این نوشتار ذکر شده نتایج زیر به دست می‌آید:

۴-۱- معماری و شهرسازی مدرن بر گرفته از فرهنگ و جهان بینی خاصی است که در دوران رنسانس و بعد از آن وجود داشته است که از جمله مبانی آن سکولاریسم و انسان گرایی و سرمایه داری است.

۴-۲- مسلمانان در کشورهای اسلامی دارای پیشینه قابل توجهی در معماری و شهرسازی هستند و فرهنگ و هویت اسلامی و بومی آنها کاملاً در شهرسازی و معماری آنها جلوه داشته است.

۴-۳- معماری اسلامی تنها به نقش و نگار و طراحی ظاهری خاص محدود نمی‌شود بلکه جان مایه معماری اسلامی به رابطه معنوی خاصی است که معمار با عالم غیب پیدا می‌کند و آن را منعکس می‌کند.

۴-۴- معماری و شهرسازی اسلامی از جهات مختلف سبب گسترش و تقویت سبک زندگی اسلامی می‌شود بنابراین برای تغییر سبک زندگی غربی امروزی به سبک زندگی اسلامی یکی از اساسی ترین گام‌ها، گسترش معماری و شهرسازی اسلامی است.

۴-۵- برای ترویج معماری اسلامی در جامعه باید ابتدا منافع و ویژگی‌های معماری و شهرسازی اسلامی برای آنها به خوبی بیان شود.

۴-۶- با ترویج معماری و شهرسازی اسلامی، هم فرد، جامعه و خانواده دچار شادابی و آرامش روحی می‌شوند و هم زمینه برای تکامل روحی و عبادت الهی و در نهایت سعادت اُختری برای افراد خانواده و جامعه فراهم می‌شود.



۵- مراجع

- اهری، زهرا، (۱۳۸۰)، مکتب اصفهان در شهرسازی، تهران، دانشگاه هنر
- پورعبدالله، حبیب الله، (۱۳۸۹)، حکمت‌های پنهان در معماری ایران، تهران، کلهر
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیاة، قم، اسراء
- السبزواری، المولی الهادی، (۱۳۷۹)، تصحیح حسن حسن زاده آملی، شرح المنظومه، ج ۵، قم، ناب
- شیخ حر عاملی، (۱۴۰۹)، وسایل الشیعه، ج ۴، قم، آل البیت
- شیخ صدوق، (۱۳۶۷)، ترجمه علی اکبر غفاری، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، تهران، صدوق
- شیخ کلینی، (۱۳۶۲)، الکافی، ج ۱، تهران، اسلامیة
- کیانی، محمد یوسف، (۱۳۷۴)، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، تهران، سمت
- گروبه و همکاران، ارنست، (۱۳۸۰)، معماری جهان اسلام، تهران، مولی
- المتقی، علی، (۱۴۰۹)، تحقیق صفوة سقا، کنز العمال، بیروت، موسسة الرسالة
- مجلسی، محمد باقر، (۱۳۹۰)، تحقیق علی امامیان، حلیة المتقین، قم، سرور
- مجلسی، محمد باقر، (بی تا)، بحار الأنوار، ج ۱۶-۶۴- تهران، اسلامیة
- معماریان، غلامحسین، (۱۳۸۷)، سیری در مبانی نظری معماری، تهران، سروش دانش
- ملاصدرا، (۱۳۶۰)، تصحیح جلال الدین آشتیانی، الشواهد الربوبیة فی المنهاج السلوکیة، مشهد، مرکز نشر دانشگاهی
- ملاصدرا، (۱۹۸۱)، الاسفار الاربعه فی الحکمة المتعالیة، ج ۴، بیروت، دار احیاء التراث
- موسوی، سید رضی، (۱۳۹۰)، درآمدی بر روانشناسی هنر اسلامی، قم، ادیان
- نصر، حسین، (۱۳۷۵)، مترجم رحیم قاسمیان، هنر و معنویت اسلامی، تهران، دفتر مطالعات دینی
- همتی، همایون، (۱۳۸۷)، فهم هنر و هنر فهم، آبادان، پرسش